

مبانی زیبایی شناسی یا استتیک، یک اثر بکروستودنی، از استاد بشیر مؤمن

زیبایی و زیبایی شناختی یکی از دلچسپ ترین و جذاب ترین بحث های هنری- فرهنگی در جامعه شناسی است. در کشور ما با آنکه شاعران و ادیبان و هنرمندان خوش ذوق و با استعداد ما در آفرینش زیبایی های مادی و معنوی، دیداری و شنیداری نقش برجسته داشته و دارند، مگر در عرصه زیبایی شناسی و یا زیبایی شناختی در هنر و ادبیات و یا فن معماری و بخش های دیگر زیبایی آفرینی و زیبایی شناختی کدام اثر مستقلی ننوشته اند. اینک با وجود کمبود جای یک چنین کار سترگ و با ارزش، بالاخره استاد بشیر مؤمن که ذوق و شوق فوق العاده ای به مسئله هنر و جامعه شناسی دارد، آستین برزده و با دستیابی ده ها و صدها اثر معتبر ادبی و علمی و اجتماعی و فلسفی که از سوی نویسندگان و فرهنگیان ایرانی تالیف و یا ترجمه شده و به چاپ رسیده اند، هریک را مطالعه کرده و به استناد آنها یک اثر پژوهشی دلچسپ و جالب بنام «مبانی زیبایی شناسی یا استتیک»، تالیف کرده و به چاپ رسانده است که نسخه ای از آنرا برای من نیز فرستاده اند. از آنجایی که موضوع کتاب برایم دلچسپ بود، من آنرا در یکی دو شب مرور کردم و سطور ذیل را در رابطه به آن می نویسم.

قبل از هر چیز دیگر، تالیف این اثر مهم و تازه را برای دوست محترم خود آقای مومن صمیمانه تبریک میگویم و خواندن آنرا به جوانان و اهالی کتاب توصیه مینمایم.

کتاب از لحاظ شکل و محتوای خود بسیار گیرا و دلپذیر است. از نگاه شکل، کتاب در چاپخانه فیصل با کیفیت عالی در کاغذ درجه اول و قطع مرغوب (آ پنج) در ۲۲۵ صفحه با پشتی کاغذی و یک تصویر هنری به چاپ رسیده است. کتاب با چهار تقریظ سودمند از سوی چهار صاحب قلم نامدار افغان: آقایان داکتر زیار، استاد نگارگر، داکتر ببرک ارغند و غفور لیوال آغاز شده، که مجموعاً (۱۱) صفحه کتاب را احتوا کرده اند. و سپس کتاب با پیشگفتار مؤلف از صفحه (۱۶) آغاز و تا صفحه ۲۲۵ ادامه یافته است. ۱۲ صفحه اخیر کتاب (از ۲۱۴- ۲۲۵) را مآخذ و رویکرد های مورد استفاده مؤلف در برگرفته است.

هنگامی که منابع کتاب را بر میگردم، و در دلم از عشق و علاقمندی مؤلف به مطالعه کتاب و تپ و تلاش او برای گردآوری مطالب این اثر آفرین میگفتم، چیزی که مایه تعجب و حتی تأثر من گردید، این بود که من در میان ۲۰۶ مآخذ معتبر علمی و ادبی و هنری [که اگر صد تای آنرا تکراری بشمارم]، در میان بقیه منابع، سهم اهالی شعرو هنر و ادب کشور ما خیلی اندک بود و بجز پنج شش منبع (در هردو زبان دری و پشتو) بیشتر به نظر نرسید، و بقیه همه منابع مورد استفاده، کتابهایی اند که از سوی نویسندگان و شاعران و مترجمان ایرانی تالیف و یا ترجمه شده و در ایران به چاپ رسیده اند. البته در بخش بحث بر زیبایی شناسی داستانی، از آثار داکتر اکرم عثمان و داکتر ببرک ارغند و حبیب قدیر و کسانی دیگری نام برده شده و فرازهایی هم در کتاب انعکاس یافته است، مگر در جمله رویکردها نامی از آنها دیده نشد. به نظرم این نویسندگان حق داشتند تا نام شان در سلسله رویکردها می آمد، امید است در چاپ های بعدی این کاستی رفع گردد.

از لحاظ محتوا، میتوان گفت که این اثر، بیشتر به شرح مقولات زیبایی شناختی از قبیل: زیبایی، زشتی، تراژیدی، کمیدی، زیبایی شناسی هنر، ادبیات، سینما، رقص، موسیقی، تیاتر، نقاشی، معماری، مجسمه سازی، عکاسی، اخلاق، غرور، فکاهی، و یک تعداد مفاهیم و اصطلاحات جامعه شناسی پرداخته است.

در هر حال چون این عرصه فرهنگی در کشور ما دست نخورده است و تا هنوز کسی بخود زحمت گام نهادن و نگاهستن اثری مستقل ادبی، هنری و جامعه شناختی را نداده است، بنابراین میتوان گفت، که استاد مومن گام آغازین را در این استقامت برداشته و اثری مستقل در معرفی مبانی زیبایی شناسی به جامعه افغانی تقدیم کرده است که جایش در عرصه هنر و فرهنگ کشور کاملاً خالی بود.

زیبایی چیست؟

بدون تردید زیبایی در فطرت آدمی سرشته شده است. انسانها حتی زمانی که در مغاره های کوه زندگی می کردند، در نقوشی که بر روی دیواره های سکونتگاه ها از خود برجا گذاشته اند، نشانه های زیبایی پسندی به مشاهده میرسند. انسانها در همه اعصار وازمنه، به زیبایی خود توجه داشته اند، حلقه برگردن یا بینی ویا گوشه های خود آویخته اند، موهای خود را تراشیده یا می بافته اند، از گلها و شاخه درختان حمایل ساخته و برگردن خود انداخته اند و خود را به الوان مختلفی تزئین داده اند. امروزه مسئله زیبا جلوه نمودن و توجه دیگران را بخود جلب کردن، یکی از مشغله های اصلی خانواده ها در جوامع متمدن است. در همین کتاب گفته میشود که « در امریکا پولی که خرج زیبایی میشود، بیشتر از پولی است که صرف خدمات اجتماعی و تحصیل میشود.» (ص ۴۶)

بدون تردید زیبایی در جوامع متخلف ، معیارها و تعریف های مختلفی دارد ، اما من بدون آنکه از تفاوت معیارهای زیبایی شناسی جوامع دیگر مثال بزنم، میخواهم برداشت خودم را از زیبایی بیان کنم. **به نظرم هر چیزی که از دیدن یا شنیدن آن به انسان لذت و شادمانی دست دهد، زیبایی است.** یک تابلوی نقاشی، یک شعر هیجان آور ویا یک پارچه موسیقی یا یک رقص دلانگیز، یا مشاهده یک پرنده رنگین در یک جنگل دور افتاده ، یا دیدن یک باغ پر از گل و سبزه ، یا یک آبشار بلند، میتواند در انسان لذتی را پدید آورد، که روح و روان آدمی را محظوظ کند، به چنین پدیده های طبیعی یا بشری، چه نام دیگری جز زیبایی میتوان داد؟



هریک از تصاویر فوق سمبل زیبایی اند که نقش انسان را در زیبایی بخشیدن به طبیعت ، نشان میدهد.



طاووسی از گلهای تازه ساخته یک باغبان با ذوق (تابلویی کودکی در آغوش مادرش) (در لباس افغانی)

برخی زیبایی را پرداخته تصورات انسان وانمود کرده اند، ولی از نقش طبیعت و نقش انسان در آفرینش زیبایی نمیتوان انکار کرد. زیبایی انعکاس واقعیت های خارج از ذهن، در مغز انسان است. یک آهنگ خوب و دلکش یک هنرمند ، از راه حس شنوایی در مغز شنونده نفوذ میکند و بعد از شنیدن آن در مغز است که انسان را به وجد و نشاط و حتی پایکوبی وامیدارد. معنومدار چنین آهنگی از زبان و دهان موجودی بنام انسان خارج شده است که در بیرون از ذهن ما قرار دارد و فعالیت مغز را بصورت آواز بیرون داده است. همچنان دیدن یک عکس زیبا یا تماشای یک تابلوی نقاشی نیز میتواند در انسان احساس لذت بخشی ایجاد کند.

زیبایی ها معمولاً به دوگونه تبلور می یابند: یکی طبیعی و دیگری مصنوعی. هر زیبایی که بدون مداخله دست بشر، در طبیعت و یا درعالم زنده جانها بملاحظه میرسد، مانند :غروب طلایی آفتاب وانعکاس اشعه آن در روی دریا، شرشر آبشاران، دشت ها و مرغزارهای پراز گل‌های لاله ها و شقایق وحشی ، رودهای موج ، از پای کوه های سربلک کشیده یا از میان دره های شیب دار وگز وپنه های وحشی، چمن های سبزبا گل بته های پرشگوفه ودلکش، جنگل های انبوه وپر پشت با مرغکان خوش الحان و خوش خط وخال (مثل:طاووس و دیگرپرندگان خوش آوا)، ماهیان رنگین در قعر دریاها، حیوانات و نباتات مختلف النوع که حس زیبا پسندی را در انسان تحریک میکند، و بالاتر از همه، درخشش چشمان زیبای یک دوشیزه جوان، با لبخندی که در پشت آن دندانهای صدف گونه میدرخشند وانسان را بسوی خود میکشاند، همگی زیبایی های طبیعی اند که بر احساس و ادراک انسانها تاثیر میکنند و هر یک از آدمها به تناسب درک واحساس خود از آن لذت می برند.

مؤلف کتاب مبانی زیبایی شناسی، نیز به این نوع زیبایی اشاره کرده میگوید: «زیبایی طبیعی مانند حرکات ظریف بدن انسان، شگوفه های تازه شکفته، قله بزرگ پوشیده از برف، موج ملایم دریا، گونه یی از حالت گیاه وحیوان، گرمای دلپذیر آفتاب، تابش مرموز ماه، افسون رنگین کمان، شکل ابر، تازه گی نسیم، سکون صخره، جنبش ذرات، جریان آبشار و غیره» (ص ۴۴)



نوع دوم زیباییها، زیبایی مصنوعی و هنری اند. بدین معنا که در آفرینش این بخش از زیبایی ها دست بشر دخالت داشته و دارد، و بشکلی که ذوق هنری آفرینشگر میخواست، آفریده شده اند. این نوع زیبایی نیز بر روح و روان آدمی اثر داشته وانسان را به وجد ولذت دعوت می کند، مثلاً: اعمار یک بنای حیرت انگیز مثل **تاج محل در هند**، چنان تاثیری در بیننده ایجاد میکند

که سالانه میلیونها انسان را از سراسر جهان به تماشای خود فرامیخواند.

اما مؤلف کتاب ، نوع دوم زیبایی را زیبایی فرهنگی، نامیده و در باره آن نوشته میکند: «اما زیبایی فرهنگی در هنرجلوه میکند: شاهکارهای هنری در هر رشته یی. در شاهکارهای ادبی بویژه هنر ادبی، زیبایی وزشتی در فرم متناقض ویا متضاد یک دیگر جان میگیرند: کمیک، تراژیک، شادی آور، غم انگیز، واز همین قبیل زیبایی های هنری را میتوان در هم آهنگی رنگها وفرمها در نقاشی، معماری ویا دراکوردهای موسیقی دید. درمقابل هنر ارزشمندوشکل های گونه گون آن، با پدیده ای بنام "هنر مبتذل" رو برو هستیم. هنرهای مبتذل، هنرهای مبالغه آمیز، غیر اصیل و نادرست هستند که سرچشمه آنها طبع هنری هنرمندان نیست، تولید این [گونه] هنرهای بی ارزش ولذت بردن از آنها، نشانه فقر فرهنگی، کمبود وکاستی های جدی در آموزش و پرورش، نبود امکانات هنرمندان و بد سلیفگی افراد است. مثل آن «بچه بازی" در کشور ما است.» (همانجا)

به برداشت مؤلف، دانشی که زیبایی را مطالعه میکند وقواعد واصول آنرا مشخص مینماید، زیبایی شناسی نامیده میشود. مؤلف زیبایی شناسی را معادل لفظ استتیک دانسته واستتیک را چنین توضیح میکند: «استتیک در پی آنست که زیبایی وامر زیبا را خوب بشناسد وحقیقت ومشخصات آنرا تعیین کند واصول وقواعد زیبایی را در اختیار همگان قرار دهد وسرانجام همین مسایلی که در فوق برشمردیم مضمون وموضوع زیبایی شناسی را تشکیل میدهد.» (ص ۴۱)

از اشارات وتوضیحات قبل الذکر مؤلف اگر بگذریم، میتوان به این نتیجه رسید که هر قدر دریک جامعه آثار هنری (نقاشی، مجسمه سازی، معماری، موسیقی، رقص، سینما، تیاتر، شعر، داستان نویسی، کارتون کاری، وفکاهی گونی های خنده دار و طنز گونه) عالی تر و جذابتر وپرشکوه تر باشد، به همان اندازه میتوان به ارتقای سطح رشد فرهنگی آن جامعه پی برد و درجه ذوق و استعداد هنری آن جامعه را شناخت و ستود.

ظریف ترین ونفیس ترین وعالی ترین زیبایی ها را میتوان در عبادتگاه های ملل ونحل جهان دید و از آن لذت برد و بر کلک هنر آفرین آفریدگان آنها، آفرین گفت و انگشت حیرت بدندان گزید ونام و یاد شان را گرمی خواست.



مسجد جامع هرات



مسجدی مدرن در ایران



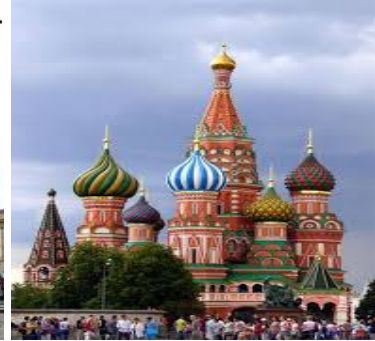
مسجدی در آب بحر احمر عربستان



کلیسای واتیکان در روم



کلیسایی در میلان روم



کلیسای معروف در مسکو

وقتی که پای هنر و زیبایی در معماری به میان آید، نمیتوانم از "زها حدید" منحیث یک زن نابغه و نمونه های کارهای خارق العاده اش، در هنر معماری مدرن یاد نکنم.



مرکز فرهنگی حیدر علی اف در باکو، معماری زها حدید

درحالی که هریک از این بنای با شکوه، دارای زیبایی خاص خود اند، بملاحظه میرسد که دست بشر و فرهنگ جامعه در خلاقیت و زیبایی آنها نقش بسیار موثری داشته است و انسان هنگام دیدن و تماشای هریک آنها غرق حیرت و لذت میشود.

یاد و خاطر همه هنرمندان خلاق و مبتکر و جسور جهان شاد باد!

پایان

مجتمع فرهنگی حیدر علی

اف در باکو یکی از ده بنای زیباترین در جهان شمرده شده است که در سال ۲۰۱۲ افتتاح شد. معمار آن، **زها حدید**، زن عراقی بود که متاسفانه چهار روز قبل در ۳۱ مارچ ۲۰۱۶ درگذشت.

کف ساختمان و دیوارها و سقف تالار پر انحنای آن تاثیر جادویی و خارق العاده بر بیننده میگذارد. گویی معمار آن، **زها حدید**، قوانین معمول ساخت و ساز را به دور ریخته و قوانین خاص خویش را کشف کرده و به کار بسته است.